



زیبان عمومی رشته ها طراحی دوخت. حسابداری مالی. سخت افزار

ادامه متن درس 14

پیاده روی طولانی تا خانه

صفحه 112

A LONG WALK TO HOME

- I,m disappointed that you feel you have to lie to me ,Jason.what do you mean? I,m telling the truth.

پدرم بمن گفت من ناامید و شکست خوردم از اینکه احساس کردم شما مجبور به دروغ گفتن بمن شدی جیسون.من گفتم شما چرا چنین فکر میکنید؟ من راستگفتم .

- Dad looked at me again.when you did not show up,I called the garage to ask if there were any problems ,they told me that you had not yet picked up the car.

دوباره بمن نگاه کردوگفت زمانی که شما نیامدید من باگراز تماس گرفتم که ایا مشکلی هست .انها بمن گفتند شما تاانموقع برای بردن ماشین نرفتید.

A LONG WALK TO HOME

- so you see, I know there were no problems with the car. I felt really guilty as I weakly confessed to my trip to the movie theater and the real reason for being late .

پس الان شما بدان که من میدانم که برای ماشین مشکلی وجود نداشته و نیاز به تعمیر نداشته است. من واقعا احساس گناه و شرمساری میکردم همانطور که باناراحتی وضعف به سفرم و رفتن به سینما برای دیدن فیلم اعتراف میکردم و دلبا واقعی تاخیرم این بود.

Dad listened intently as a sadness passed through him.

همانطور که پدر آرام بمن گوش میداد غم وانوده در وجودش میزد و غصه میخورد

A LONG WALK TO HOME

- I,m angry ,not with you but myself.you see.i realize that I have failed as a father if after all these years you feel that you have to lie to me

من عصبانی ام نه از دست تو . بلکه از دست خودم عصبانی ام. شما بدان که من متوجه شدم و فهمیدم که من بعنوان یک پدر شکست خورده ام که بعد از این سالها شما احساس میکنی که شما مجبوری به من دروغ بگویی

- I have failed because I have brought up a son who cannot even tell the truth to his own father,I ,m going to walk home now and think where I have gone wrong all these years.

من شکست خورده ام بخاطر اینکه پسری بزرگ کرده ام که حتی نمیتوتند حقیقت را به پدر خودش بگویند . من قصد دارم تا خانه پیاده بیایم حالا و من فکر کنم در طول مسیر که من این همه سال کجا اشتباه کرده ام.